

حریق خودرو در مغازه صاف کاری بولوار رسالت



شهرآواران حریق یک دستگاه خودرو در داخل مغازه صاف کاری واقع در رسالت ۷۶، با حضور سربع تیم آتش‌نشانی آلودگی مهاباد و از سایریت‌ها به طبقات مسکونی فوقانی عملیاتی گردید. به عمل آمدن آتش در عصر روز گذشته به سامانه ۱۲۵ گزارش شد که بلافاصله نیروهای عملیاتی از ایستگاه‌های ۴۵ و ۳۷ در محل حاضر شدند. با توجه به حضور خودرو و همچنین تعدادی سیلندر اکسیژن در داخل مغازه، خطر انفجار و گسترش سریع آتش وجود داشت که همکاران با سرعت عمل و مدیریت صحیح، حضور مهاباد حریق، از سایریت‌ها به طبقات مسکونی بالای مغازه جلوگیری کردند. خوشبختانه این حادثه هیچ گونه مصدوم یا مجروحی در پی نداشت و عملیات طفا و اطفای سربازی با موفقیت کامل به پایان رسید و علت حادثه در دست‌های مافوق است.

آتش سوزی در طبقه ۴- یک برج مهار شد



علی با ۱۵۵ کیلوگرم چیزی به ساعت ۱۶ دیروز نمانده بود که آسمان بولوراهفت تیر، ناگهان رنگ عوض کرد. دودی غلیظ و سیاه زبکی از برج های مسکونی - تجاری در حال ساخت سربه فلک شید. حجم دود به قدری زیاد بود که از مسیرهای دور هم به وضوح دیده می شد و بوی سوختگی به مشام می رسید. صدای آژیر خودروهای آتش نشانی، سکوت عصرگاهی را شکست و اهالی منطقه را نگران کرد. کانون حادثه، عمق تاریک طبقه ۴ یک برج بود. پس از اعلام حریق، تیم های عملیاتی از چندین ایستگاه به محل اعزام شدند. به محض رسیدن اولین گروه، عملیات مهار آغاز شد. حریق در برج در حال ساخت رخ داده بود و پیچ چوبی چوبی از االوهای چوبی در این محل، باعث شده بود شعله ها به سرعت گسترش یابند و دود بسیار غلیظی همه فضای ساختمان و اطراف آن را دربر گیرد. با اقدام بموقع و پیش از گسترش بیشتر حریق، همه ایستگاه حاضر در محل در همان لحظات اولیه از ساختمان خارج شده بودند و این حادثه هیچ گونه محسوس یا مصدومی در پی نداشت. در ادامه عملیات لکه گیری و سرکدرن محیط کامل محل، پایان یافت. هم اکنون علت دقیق وقوع این حریق در دست بررسی است و سپس از تکمیل تحقیقات، اطلاع رسانی خواهد شد.

۶۰۷ گردشگر در سیل نیال مفقود شده‌اند

ایستاد پس از وقوع فاجعه سیل های ویرانگر در نبال هنوز ۶۰۰ نفر دیگر مفقود هستند. اما مرگ دیگران مفقود شد به نقل از منابع محلی نیال به ویرانی شده است. این سیل ناگهانی در ارتفاعات همالیا در ۱۶ اوت که در شمال نبال برپا نیالی است گسترده برجا گذاشت. فاجعه ای بی سابقه بود. شمار قربانیان این حادثه همچنان رو به افزایش است، به طوری که تاکنون مرگ حدود ۱۴۰ نفر تأیید شده و ۵ هزار و ۱۳۰ نفر از جمله صدها تنه خارج از ۲۵ کشور همچنان مفقودند. پس از سیل، مقامات نیال با صدها جسم مجهول الهویه روبه رو هستند. خانواده های مفقودان در نالاکلیفی دردناکی به سر می برند، زیرا اطلاعات نجات همچنان اندام دارد، اما هیچ هزاران خانه ویران با غریبان سکونت شده اند و منابع آب الوده و زیرساخت های حیاتی به شدت آسیب دیده اند. تا جایی که یافتن سرپناه، دسترسی به خدمات درمانی، خاک سپاری و جست و جوی و بازسازی زندگی بازماندگان با مشکلات مسترده ای روبه رو شده است.

انفجار شدید در یک کارخانه نمک در مکزیک

ایستاد و وقوع انفجار در یک کارخانه نمک در ایالت «ویرا کروز» مکزیک، سه کشته و چندین زخمی برجا گذاشت. منابع محلی اعلام کردند یک نفر همچنان مفقود است و سه نفر دیگر هم مجروح شده‌اند. مقامات می‌گویند حدود چهارصد نفر از ساکنان محدوده وقوع انفجار تاکنون تخلیه شده‌اند. جزئیات بیشتری از حادثه گزارش نشده است.

سقوط هواپیما در مزرعه‌ای در غرب آلمان



عصر ایران/ یک فروند هواپیمای «سسنا ۱۷۲» در غرب آلمان دچار نقص فنی شد و در نزدیکی یک منطقه روستایی سقوط کرد. پلیس آلمان اعلام کرد در پی سقوط این هواپیمای کوچک در یک مزرعه، هر سه سرنشین آن کشته شدند.

پیشنهاد هوش مصنوعی و تلاش پلیس جلوی از هم یاشیده شدن یک زندگی را گرفت

نجات یک زوج از تله جدایی



به سفر بروم. به همین خاطر است که گاهی تصوراتم را با هوش مصنوعی در میان می‌گذارم. این تصورات تنها خیال من بود و اینکه نمی‌شد همه چیز را با شوهرم در میان بگذارم. در ادامه این جلسه محسن نیز حاضر شد.

● به جای هوش مصنوعی با هم حرف می‌زنیم

شبنم ضمن عذرخواهی از شوهرش گفت: من از تو عذرخواهی می‌کنم، من هم عاشق تو و زندگی ما هستم. حاضر حتماً برای تو از شغلم بگذرم. هر چند من از تو ناراحت بودم که با هوش مصنوعی درد دل کرده بودم. من به خاطر همین با هوش مصنوعی صحبت کردم تا راهی پیش یابم بگذارم که شرایط زندگی مشترکمان را بهتر کنیم. هر چند محسن پس از اینکه با آقای شبنم راضی شد، کمی آرام شد، اما تاوجه به پاسخی که محسن در سر داشت، از این زوج خواسته شد چند روزی جدا از هم زندگی کنند و به جای گفت و گو با هوش مصنوعی با همدیگر صحبت و مشورت کنند. این زوج جوان همچنان به جلسات مشاوره خود ادامه می‌دهند.

● می‌خواهم انتقام بگیرم

محسن که شرایط روحی خوبی نداشت و افکار و هوسهای دس سر داشت، اضافه کرد: من عاشق زنم هستم. ۱۰ سال است که با هم زندگی می‌کنیم. من دوستش داشتم، اما دیگری منم باید با او چه کار کنم. می‌خواهم انتقام بگیرم، یا مردی را که شنبم درباره او باهوش مصنوعی درد دل کرده بود، از این بیرم. پس از ثبت اظهارات محسن، مسئول دایره مددکاری مشاوره کلاتری در تماس با شنبم اورا به مقر پلیس دعوت کرد. این زن جوان با شنیدن موضوع گفت که در سفر کاری است اما روز بعد خودش را به مشهد و این جلسه با مشاور کلاتری می‌رساند.

به زن جوان به وعده‌اش عمل کرد و صبح روز بعد به کلاتری مراجعه کرد. او در ابتدا همه اتهامات را به شوهرش وارد کرد و گفت: محسن تصور می‌کند من خودم را از او خیلی بالاتر می‌دانم در صورتی که این طور نیست. شوهرم شغل آزاد دارد و من در یک شرکت مسئولیت مهمی دارم. من که سرکار هستم، از خانه تنها هستم و من که خانه‌ام، او سرکار است. من به خاطر شغلی که دارم، مدام مجبورم

و باهوش بود، از آن دست دخترانی که با همه متفاوت بود. اصلاً لاهل غیبت کردن و غرزدن نبود و توقعات زیادی نداشت. به او پیشنهاد ازدواج دادم، شبنم هم پذیرفت و ما ۱۰ سال قبل ازدواج کردیم. حدود دو سال پس از ازدواج ما، شبنم در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل شد. در همین مدت بود که متوجه ارتباط مجازی او با فردی شدم. وقتی این موضوع را متوجه شدم، خیلی عصبانی بودم، ما به مشاوره رفتیم و همسرم ابراز بی‌شیمیانی کرد. او گفت زندگی من را دوست دارد و حتی برای اینکه خیال من را راحت کند، همه مهریه‌اش را بخشید.

بعد جوان که انگار می‌کوشید همه خاطرات خوب زندگی مشترکش را از ذهن پاک کند، ادامه داد: همسر من پس از اتمام تحصیلاتش، در یک شرکت مهم مشغول به کار شد. به واسطه کارش مدام مجبور بود به سفر برود. عصر دیروز در حالی که در مسیر باآگشتی از سفر بود، من لب تایش را روشن کردم. ناگفته نماند فردم افزایش هوش مصنوعی او شدم. اکنون هوش مصنوعی او روری جیمیلش ثبت بود و من به همین شکل وارد تاریخچه هوش مصنوعی او شدم. وقتی پیام‌های شبنم را با هوش مصنوعی دیدم، از خود بیخود شدم. همسر من مانند یک انسان واقعی باهوش مصنوعی دررد لب او بود. همه چیز زندگی ما را به او گفته بود. بالاتر که رفتم دیدم او درباره یکی از همکاران سابقش با هوش مصنوعی حرف زده است. انگار تردید داشت که با این مرد در ارتباط باشد یا نه. نکته جالب برای من این بود که هوش مصنوعی او را از ارتباط با این مرد منع کرد بود. اما انگار به دنبال میان بری می‌گشت. هرچند هوش مصنوعی به سود من رأی داده بود و این ارتباط را جایز ندانسته بود، به شدت عصبانی شدم. من هم از هوش مصنوعی پرسیدم با شبنم باید چه کار کنم و افکار و حشنتانی که از ذهنم وجود داشت با هوش مصنوعی در میان گذاشتم. هوش مصنوعی به من پاسخ داد بهتر است هرچه سریع‌تر با یک مشاور صحبت کنم یا به مرکز مشاوره پلیس مراجعه کنم. به من راهکارهای زیادی داد، اما من لب تایش را شکستم تا به شکلی حوصم را خالی کنم.

و می گفت که باید چه بگویم؟ اگر پرسیدند چرا آمدی اینجا، باید

گزارش

تری شهرک فراجا راه رفت تا اینکه غلبه کرد و وارد مقر پلیس شد. و ورود به اولین افسری که رسید، گرفت: «مکمم کنید. اگر ارادی، مقدرمی توانم در مقابل افکار مربوط به همسرمان یک فرد دیگر مقاومت در جوان خواسته شد بیشتر توضیح بدهم» و او را به گشتی همسرش شده است. او در حالی که به شک شده است، ادعا کرد که شاهد تاریخچه ش باهوش مصنوعی متوجه مسائلی بدن آن ها، خانه رانتر کرده و اگر ممکن بود با همسرش درگیر شود. برسانند. که هر مرد جوان در ابتدا، حتی به حرف هایش گوش نمی داد. حاضر به بیان جزئیات نمی شد، منش، رئیس کلانتری شهرک فراجا، تخصصی، مسئول دایره مددکاری را، مأمور رسیدگی فوری و کمک به او

استور، مرد جوان به دایره مددکاری
شهرک فرا جافت. او در بدو ورود
میشو دایره مددکاری و مشاوره،
هر روز چیزی نخورده و تا همین لحظه
رفته است. با توجه به ظاهر پیرشان
استه شد پیش از اینکه به اظهاراتش
فنجان دمنوش آرام بخش بنوشد.
شیدن این دمنوش آرامش بخش،
تجمع کند. او دقایقی آرام گرفت
سرکشیدن آخرین قطرات فنجان
د.

● از ازدواج تا عشق و اولین چالش
او پس از آنکه کمی آرام شد، گفت: اودختري زیبا

ایثار جوان نیشابوری جان ۷ نفر را نجات داد

اهدای عضو دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۴۰۵ ثبت شد. این جوان، پس از وقوع مرگ مغزی در بیمارستان حکیم نیشابور با رضایت خانواده برای اهدای عضو راهی بیمارستان منتصریه شد؛ تصمیمی که در پس تلخی یک فقدان، هفت نور امید را در دل خانواده های مختلف روشن کرد. قلب رضایه یک زن بیست و سه ساله (ساکن باخزر)

علی بابا زاده؛ آگاهی تقدیر، داستان زندگی رادر پیچ و خمی غریب می نویسد؛ تا جایی که پایان مسیر یک جوان، به آغاز دوباره زندگی هفت انسان دیگر گره می خورد. نام رضا منفردی، جوان بیست و سه ساله نیشابوری، در هشتاد و هفتمین

اهدای

باند موبایل قاب‌های خواجه ریع دستگیر شدند

متهمان که دو جوان دهه هشتادی بودند پس از انتقال به کلانتری ابتدا منکر انجام هرگونه جرمی شدند، اما سرانجام در مواجهه با تعدادی از مال باختگان به هفت فقره موایلی قایلی اعتراف کردند. متهمان در ادامه راجه‌ای اعتراف کردند که گوشی‌های سرقتی را به یک مال خر فروخته‌اند. آن‌ها برای نشان دادن حسن نیت خود با مال خر تماس گرفتند و با او برای فروش تعدادی گوشی سرقتی قرار گذاشتند. مال خر با متهمان در یکی از معابر خواجه ربیع قرار گذاشت.

با نزدیک شدن به موعد قرار، مأموران باهماهنگی مقام قضایی به محل رفتند. دقایقی پس از زمان قرار، مال‌خر بایک دستگاه موتورسیکلت به محل

شناسایی متهمان ادامه داشت تا اینکه ما موران موتورسیکلت هر دو متهم را در حالی که مشغول پرسه زنی بودند، شناسایی کردند و تحت تعقیب قرار دادند. پس از طی مسافتی کوتاه، ما موران وقتی دیدند متهمان قصد انجام سرقت دارند، آن‌ها را در یک عملیات ضربتی محاصره و هر دو را دستگیر کردند.

هرچند متهمان در بدو دستگیری منکر انجام هرگونه جرمی می‌شدند، در ادامه مأموران در بازرسی از آن‌ها موفق به کشف یک قبضه شمشیر، یک قبضه قمه و دو قبضه چاقو شدند. با کشف این سلاح‌های سرد، مأموران موتورسیکلت متهمان را توقیف و آن‌ها را با افاصله به کلانتری منتقل کردند.

خبر

مسئد جلائیان پس از مراجع تعدادی از مال باخترگان به کلانتری خواجه ربیع و گزارش موبایل قایم جوان بادو و موتورسیکلت، سرهنگی علی بزنونی رئیس کلانتری خواجه ربیع، دستورات تخصصی درباره شناسایی متهمان اتمام صادر کرد. در خلال این دستور، مأموران باتمجمع گزارش های سرقه ها متوجه ارتباط بین آن ها شدند. در همه این جرائم، مشخص شد دو پسر جوان به موبایل قایم اقدام یا با تهدید سلاح سرد از شهروندان زورگیری می کرده اند.

تیم تحقیق در ادامه ارسایی به این پرونده محدود و تردد متهمان را شناسایی و اقدام به برقراری گشت ناجسوس کرد. تلاش پلیس برای

خبر

[illegible]